

گفت‌وگوی روزنامه صبا با عوامل نمایش «قربانگاه»

انتخابی سخت در موقعیتی پیچیده

مریم عظیمی
گفت‌وگو

پس از استقبال خوب مخاطبان از دوره‌های اجرایی مختلف نمایش «دشمن مردم» این بار نمایش «قربانگاه» به نویسندگی عمادالدین رجب‌لو و کارگردانی مشترک او با سمیرا سرچاهی به سالن چهارسوی تئاتر شهر رسیده است. در این نمایش که به موقعیتی دراماتیک می‌پردازد چند سرباز در یک آسایشگاه نظامی دور افتاده، با یک شوخی نابجا باعث حادثه‌ای ناخواسته می‌شوند. ماجرا خیلی زود از کنترل‌شان خارج می‌شود و به بحرانی جدی می‌انجامد. این اتفاق، رابطه‌ی میان آن‌ها را به هم می‌ریزد و زخم‌های قدیمی را دوباره زنده می‌کند. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

سمیرا سرچاهی، کارگردان:

کارگردانی این اثر برای من جایگاه ویژه‌ای داشت

شود تادر آینده‌ای با طراحی صحنه‌های قوی‌تر داشته باشیم.

چگونه شد که این نمایش به تئاتر شهر رسید؟

مادر خواست اجرای اثر را حدود یک سال و نیم پیش به تئاتر شهر دادیم اما با وجود این بازه زمانی در اسفند ماه سال گذشته تاریخ اجرا مشخص شد همین سبب شد که ما مجبور شویم در شرایط و بازه زمانی محدود کار را جمع کنیم اما در کل اتفاق بدی نبود و فکر می‌کنم پس از یک سال و نیم انتظار، اجراء تئاتر شهر ارزشش را داشت.

سخن پایانی

این هفته پایانی اجرای مادر تئاتر شهر است و هنوز مشخص نیست که بتوانیم در سالن دیگری کار را به اجرا برسانیم یا نه اما برای لحظه به لحظه و جزئیات این کار تمام گروه زحمات زیادی کشیده است و دوست داشتیم که کاری در خور برای مخاطب ارزشمند تئاتر ارائه دهیم. ما تمام تلاش مان را کرده ایم و دوست دارم که دوستان بیشتری کار را ببینند و نظراتشان را بدانیم. محیط و فضاهای آموزشی مثل پادگان و مدرسه همیشه مورد نظر ما بوده و آقای رجب‌لو در پرداخت به این گونه فضاهای تجربه و تسلط ویژه‌ای پیدا کرده اند. علاقه ما به این حوزه و بیان کردن مضامین این حوزه در هر سه نمایش «دشمن خدا»، «متساوی الساقین» و «قربانگاه» مشهود است و دوست داریم که مخاطبان بیایند و نظر آنها بتواند مسیری را که طی می‌کنیم روشن‌تر و راه را بر ایمان کامل کند.



همکاری شما با آقای رجب‌لو نویسنده کار چگونه شکل گرفت و تصمیم بر کارگردانی مشترک با ایشان بر چه اساسی رقم خورد؟

چندین سال است که ما گروهی داریم و با هم کار می‌کنیم این همکاری به زمانی که در شهر گرگان به فعالیت‌های تئاتری مشغول بودیم باز می‌گردد. ما یک گروه سه نفره بودیم و اگر چه همکاری ما به صورت جدی از نمایش «دشمن خدا» آغاز شد اما پیش از آن در کارهای مشترک بازی و همکاری می‌کردیم. پس از اتفاقات خوبی که در سال ۹۵ و دوره‌های بعدی اجرای «دشمن خدا» رخ داد آقای رجب‌لو پیشنهادی به نام «متساوی الساقین» نوشتند و همزمان با آن فیلمنامه‌ای به نام «قربانگاه»، در ابتدا قرار بود «قربانگاه» را به صورت فیلم کوتاه کار کنیم اما پروژه‌ای به نام «قلم روشن» توسط انتشارات نمایش به چاپ می‌رسید و نمایشنامه‌ای در این حوزه می‌خواستند به همین علت آقای رجب‌لو «قربانگاه» را به صورت نمایشنامه آورد. فضای نمایشنامه «قربانگاه» و «متساوی الساقین» بسیار شبیه بودند و «متساوی الساقین» نیز در جشنواره فجر مورد توجه قرار گرفت. من اما از همان ابتدا که «قربانگاه» یک فیلمنامه بود دوست داشتم روی این اثر کار کنم. در مسیر کار روی این نمایشنامه چندین بار به دلیل مسائل مختلفی که ایجاد می‌شد دچار وقفه شدیم تا اینکه امسال موفق شدیم نمایشنامه را به اجرا برسانیم. از طرفی آقای رجب‌لو به عنوان نویسنده اشراق زبانی روی فضا و کاراکترها داشتند و در این مسیر خیلی به من کمک کردند. هر چند در کارهای قبلی این گروه علاوه بر بازیگری همیشه در گروه کارگردانی نیز حضور داشتیم اما کارگردانی این اثر برای من جایگاه ویژه‌ای داشت چرا که چندین سال انتظار کشیدم تا امکان کار کردنش فراهم شود به همین دلیل از کمک‌های آقای رجب‌لو بسیار ممنون هستم.

در طراحی صحنه کار تلاش شده که محیط خوابگاه به نوعی ایزوله و بدین طریق از مخاطب جدا شود. این طراحی در چه راستایی انجام شد و چه مفاهیمی مد نظر شما بود؟

ما طراحی صحنه، نور و لباس این کار را به صورت مشترک با آقای رجب‌لو انجام دادیم و تلاش کردیم این فضای خصوصی و خفانی که در محیط وجود دارد را بدین طریق نشان دهیم و در این طراحی قصد بر این بود که کاراکترها به نوعی از مخاطب دور باشند و مخاطب از فاصله آنها را ببیند. مترئالی که برای این جداسازی انجام شد طلق است و در داخل این محوطه

میکروفون‌هایی کار شده و دیالوگ‌های کار اساساً به شکل فوسه است تا آن فضای آرام و خصوصی که باید پس از خاموشی در خوابگاه سربازان وجود داشته باشد را تداعی کند.

یکی از نکاتی که از همان دقایق ابتدایی اجرا ذهن مخاطب را چالش می‌کشد دوربینی است که روی بدن کاراکتر محمد نصب شده و تمام حرکات و احساسات بازیگران دیگر در رابطه با این کاراکتر را علاوه بر آنچه در صحنه می‌بینیم از نقطه نظر دوربین هم نشان می‌دهد. لطفاً در این مورد بگویید.

هدف از به کارگیری دوربین صرفاً این نبود که آنچه در داخل اتفاق می‌افتد را نمایش دهیم. ما در ابتدا درگیر این سوال بودیم که چه جایی برای کاشت این دوربین بهتر است و روی این ایده حسابی فکر کردیم و در نهایت تصمیم‌مان این شد که از pov کاراکتر محمد این تصاویر را داشته باشیم. حال مفهوم این حرکت و تصاویر به تفسیر مخاطب باز می‌گردد و اینکه آیا این حرکت نشان از زنده بودن کاراکتر است و یا چیزی دیگر، همه به این تفسیر وابسته می‌شود.

باز خورد مخاطبان تا این لحظه چگونه بوده است؟

خدا را شکر باز خورد مخاطب‌مان خیلی خوب بوده مخصوصاً نسبت به طراحی صحنه باز خوردهای بسیار خوبی داشتیم و مخاطبان در نظرات تیوال و گفت‌وگوهای حضوری به این نکته اشاره می‌کردند که دکور این نمایش نشان دهنده احترامی است که برای مخاطب قائل شده ایم، دکوری با توجه به جزئیات و کامل که جای خالی اش در اجراهای فعلی کاملاً حس می‌شود چرا که اکثر سالن‌ها چند اجرایی هستند و محلی برای دپو و به عنوان انبار دکور وجود ندارد و همین امر گروه‌های اجرایی را مدام مجبور به جابجایی دکور و یا استفاده از دکورهای پرتابی که گاه کامل نیستند سوق می‌دهد. این نظرات برای من واقعاً جالبه توجه بود و واقعاً فکر نمی‌کردم که مخاطب تا این حد به دکور و طراحی صحنه اهمیت بدهد. علاوه بر این در مورد بازی‌ها، میزآnsن‌ها، کارگردانی و متن نیز باز خوردهای خوبی دریافت کردیم. در واقع تنها مشکلی که ما داشتیم زمان شروع اجرا بود که باعث شد در ابتدا نتوانیم با میزان مخاطبی که می‌خواهیم پیش برویم مخصوص که زمان زیادی نیز برای تبلیغات کار نداشتیم اما خوشبختانه در هر اجرا مخاطب کار بیشتر شد. علاوه بر این ما تصمیم داریم که اگر ممکن شود کار را در سالن دیگری نیز اجرا کنیم اما با توجه به سنگینی دکور با چالش‌های مواجه هستیم. به نظر من مسئله دکور جزو مضامینی است که باید بدان توجه

